

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش‌های سیاسی؛ مورد مطالعه: استان خوزستان

دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۰

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۵

بهرام نیک‌بخش *

امیر مسعود امیرمظاهری **

منصور شریفی ***

منصور وثوقی ****

شهلا کاظمی پور *****

چکیده

در پژوهش حاضر، تأثیر سرمایه اجتماعی در ابعاد شبکه‌ای و هنجاری بر روی گرایش‌های سیاسی (اصلاح‌طلبی، اعتدال‌گرایی و اصول‌گرایی) بررسی می‌شود. هدف پژوهش، تعیین قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی شهروندان استان خوزستان طی سه دوره انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) است. همچنین از ابزار پرسش‌نامه و آزمون‌های رگرسیون ساده و چندگانه، آزمون تی، تحلیل واریانس و ارائه معادله ساختاری *PLS* به ترتیب در نرم‌افزارهای اسپس اس اس (*SPSS24*) و اسمارت (*SMART PLS3*) استفاده می‌شود. اطلاعات لازم با ۱۹۲۰ شهروند بالای ۱۸ سال در سطح شهرستان‌های اهواز، آبادان، دزفول، ماهشهر و اندیمشک با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای طبقه‌ای جمع‌آوری می‌گردد. برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها، معیار سی آر (*CR*) و آزمون کی‌ام‌ا (*KMO*) منظور می‌گردد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان گرایش‌های سیاسی در تمامی گروه‌های سنی یکسان است و گرایش سیاسی به‌جز طیف اصول‌گرایی در بین زنان بیشتر از مردان است. شهروندان بر حسب شاخص اس‌ای‌اس (*SES*)، دارای بیشترین گرایش سیاسی اعتدال‌گرایانه‌اند. همچنین، محل سکونت شهروندان در گرایش آنان به طیف اصول‌گرایی دارای تأثیر معناداری نیست. در ادامه سرمایه اجتماعی در تمامی ابعاد، بر گرایش به طیف‌های سیاسی اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی تأثیر دارد ولی این تأثیر در گرایش‌های سیاسی اعتدال‌گرایی تأیید نمی‌شود. همچنین بر اساس قطب‌نمای گرایش‌های سیاسی، بیشترین تعلقات سیاسی مربوط به طیف اصلاح‌طلبی و کمترین تعلقات، مربوط به طیف اعتدال‌گرایی است. در مجموع سرمایه اجتماعی ۴۵ درصد از تغییرات متغیر گرایش‌های سیاسی را در هر سه طیف سیاسی تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی

گرایش‌های سیاسی، سرمایه اجتماعی، معیار هنجاری، معیار شبکه‌ای، استان خوزستان

* دانشجوی مقطع دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشکده علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران
nikbakhsh.b@gmail.com

** دانشیار گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکز دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول)

a.amirmazaheri@gmail.com

mansoursharifi@gmail.com

vosooghi_mn@yahoo.com

skazemipour@gmail.com

*** استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی گرمسار

**** استاد گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

***** دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

تقویت سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای می‌تواند موجب استحکام پیوندهای اجتماعی و مهم‌ترین شرط ثبات سیاسی محسوب شود (پناهی و خوش‌فر، ۱۳۹۰، ص ۶۳). گرایش‌های سیاسی بر تصمیمات گروهی و فردی اثرگذار است. شهرهایی که دارای دفتر فعال حزبی در موقعیت مکانی خود هستند، شهروندانش خواهان مشارکت سیاسی بیشتری هستند (Jha et al., 2018, p.95). افراد هنگام عضویت در شبکه‌های اجتماعی پایه‌گذار ارزش‌های مهمی می‌شوند که بعداً بر گرایش سیاسی آنان اثرگذار است (Klesner & Kenyon, 2007, p.11). گرایش سیاسی یکی از مسائل مهمی است که تمام دنیا با آن روبه‌روست (میرزایی و جعفری، ۱۳۸۸، ص ۶۲). گرایش‌های سیاسی^۱ و سرمایه اجتماعی^۲ مربوط به شهرهای استان خوزستان که در آن دفاتر احزاب مربوط به طیف‌های سیاسی رایج در کشور وجود دارد، می‌تواند بر تصمیمات سیاسی فردی و گروهی اثرگذار باشد. در این راستا، از نگرش و الگوهای رأی‌دهی شهروندان استان خوزستان، برای نامزدهای انتخاباتی سه طیف اصلاح‌طلبی، اعتدال‌گرایی و اصول‌گرایی طی سه دوره انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) استفاده شده است تا گرایش‌های سیاسی در استان خوزستان بررسی شود. همچنین پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این مسئله است که شهرهای برخوردار از سرمایه اجتماعی بالا در استان خوزستان، بیشتر به کدام طیف سیاسی گرایش دارند و این گرایش‌ها چقدر بر حسب متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، قومیت، سکونت و شاخص اس‌ای‌اس (SES)) در هر شهرستان متغیر است. برای بررسی این مسئله، از اطلاعات پیمایشی رأی‌دهی در بین شهروندان استان خوزستان (انتخابات ریاست جمهوری) در مورد چگونگی آرای اخذشده انتخابات ریاست جمهوری در طی سه دوره مذکور بهره‌برداری می‌شود. سپس گرایش‌های سیاسی شهروندان بررسی می‌شود تا نوع و جهت‌گیری سیاسی آرای اخذشده صندوق رأی، برای نامزدهای انتخاباتی هر سه طیف اصلاح‌طلبی، اعتدال‌گرایی و اصول‌گرایی معین گردد. سپس اطلاعات آماری کسب‌شده مربوط به آرای انتخاباتی، با داده‌های اخذشده سرمایه اجتماعی هر شهرستان به صورت جداگانه تطبیق داده می‌شود (بر اساس مقیاس روپاسینگها و گوتز (Rupasingha & Goetz, 2008)). در این راستا، سؤال ذیل در قالب یک

چارچوب چندمتغیره بررسی خواهد شد که آیا سرمایه اجتماعی بر گرایش‌های سیاسی بر حسب متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، قومیت، سکونت و شاخص اس‌ای‌اس (SES)) اثرگذار خواهد بود؟ همچنین ابعاد هنجاری و ارتباطی سرمایه اجتماعی بر حسب شاخص روپاسینگها و گوتز (با تأکید بر نظریات پوتنام، کلمن، بوردیو، گرانووتر و فوکویاما) بر سطوح گرایش‌های سیاسی موردبررسی قرار گرفت؛ چراکه وجود سرمایه اجتماعی برای توسعه سیاسی جامعه، در راستای تحرک بخشی سیاسی لازم است. سلیگسون (Seligson, 2005) نشان داد که سرمایه اجتماعی می‌تواند توجه زیادی را به فعالیت‌های سیاسی جلب کند؛ به گونه‌ای که ارتباط بین دو مقوله سرمایه اجتماعی و گرایش‌های سیاسی به مسئله مهمی برای پژوهشگران اجتماعی تبدیل شده است. خیلی از متفکران نظیر پوتنام، بوردیو و فوکویاما عقیده دارند برای اینکه یک جامعه بتواند در مسیر توسعه گام بردارد، نیازمند سرمایه‌گذاری درازمدت در زمینه سرمایه اجتماعی است؛ بنابراین سرمایه اجتماعی به ویژه در بعد هنجاری علاوه بر پایین آوردن هزینه در عرصه‌های سیاسی، باعث تحرک بخشی به گرایش‌های سیاسی نیز می‌شود. لذا بین این گونه از جنبه‌های هنجاری سرمایه اجتماعی و گرایش‌های داوطلبانه افراد در مسائل سیاسی رابطه مستقیم وجود دارد (پناهی و خوش‌فر، ۱۳۹۰، ص ۶۷)؛ چراکه گرایش‌های سیاسی یک نوع آگاهی بخشی در حوزه سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود (Putnam, 2000). سرمایه اجتماعی می‌تواند به تقویت مشارکت سیاسی در دنیای اجتماعی مردم کمک کند (Weyland, 2004, p.136). مهم‌ترین ضرورت پژوهش حاضر، نقش سرمایه اجتماعی در گرایش‌های سیاسی شهروندان استان خوزستان است؛ چون مردم بیشتر گرایششان به انتخاب فردی است که احساس می‌کنند می‌تواند ناکارآمدی هیئت حاکمه را از بین ببرد (ابوالحسنی، ۱۳۸۴، ص ۱)؛ بنابراین تبیین گرایش‌های سیاسی شهروندان تابعی از مشارکت سیاسی آنان است (Putnam, 2002). همچنین پرداختن به مقوله سرمایه اجتماعی ممکن است شکل‌دهنده ارزش‌های یک فرد در مسیر گرایش‌های سیاسی باشد (Jha, et al., 2018, p.106). در این راستا، هدف پژوهش حاضر، تبیین وضعیت سرمایه اجتماعی بر اساس اولویت بخشی گرایش‌های سیاسی، مطابق قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی، طی سه دوره انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۷۶،

۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) است تا مشخص شود که شهروندان استان خوزستان برحسب میزان سرمایه اجتماعی، به کدام یک از طیف‌های سیاسی رایج در کشور گرایش دارند.

الف) پیشینه داخلی

احمدی و مرادی در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی و گرایش‌های شهروندی» به این نتیجه رسیدند که ابعاد گرایشی بیش از مؤلفه‌های دیگر مورد توجه شهروندان بوده است و مهم‌ترین بعد سرمایه اجتماعی اثرگذار بر شهروندان، سرمایه اجتماعی برون‌گرومی بوده است (احمدی و مرادی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۱).

عباسی سرمدی، کوشکی و رهبرقازی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت در انتخابات» نشان دادند که شبکه‌های اجتماعی بر افزایش میزان مشارکت در انتخابات تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. ذوالفقاری و فعلی به بررسی «تأثیر جایگاه جوانان در فضای اجتماعی بر روی میزان گرایش آنان به ارزش‌های دموکراتیک» پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سن و تحصیلات با گرایش به ارزش‌های مردم‌سالاری رابطه وجود دارد؛ یعنی با بالا رفتن سن و تحصیلات گرایش به ارزش‌های مردم‌سالاری نیز بالا می‌رود (ذوالفقاری و فعلی، ۱۳۸۸، ص ۷۵).

ابوالحسنی در تحقیقی با عنوان «گرایش سیاسی مردم، اصلاح‌طلبی و محافظه‌کاری» نشان داد که در سال ۱۳۸۴ اکثریت جامعه ضمن پذیرش نظام سیاسی از وضع موجود ناراضی و خواهان اصلاح آن بودند. شکست اصلاح‌طلبان و پیروزی آنان طی سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ مبین شکست و موفقیت این دو جریان نیست بلکه نشان‌دهنده گرایش‌های اصلاح‌طلبی در میان مردم است (ابوالحسنی، ۱۳۸۴، صص ۴۰-۴۲). عالم (۱۳۷۹)، در یک مقاله پژوهشی به «بازبینی طیف گرایش‌های سیاسی» گرایش‌های سیاسی پنج‌گانه را در ایران بررسی کرده است؛ الف) طیف رادیکال یک نوع موضع‌گیری با اعتقاد به حل مشکلات به کمک عقل است. یک فرد رادیکال به شدت از وضع موجود جامعه ناراضی و خواستار دگرگونی در اساس جامعه است. ب) میانه‌روها مسائل موجود را می‌شناسند و سیاست‌های بدیل را معقولانه ارزیابی می‌کنند، فردی که خود را میانه‌رو می‌داند با گفتن اینکه هر دو طیف لیبرال (اصلاح‌طلب) و محافظه‌کار (اصول‌گرای) نکات خوبی را مطرح

می‌کنند، مخاطبان خود را راضی یا عصبانی می‌کنند. ج) اما محافظه‌کاران آن‌هایی هستند که از وضع موجود کاملاً پشتیبانی می‌کنند.

ب) پیشینه خارجی

جها، بودریاکس و بوناچه (Jha, Boudreaux & Banerjee, 2018)، با یک تحقیق اسنادی تحت عنوان «سرمایه اجتماعی و گرایش‌های سیاسی» در آمریکا نشان دادند که گرایش‌های سیاسی و سرمایه اجتماعی بر تصمیمات گروهی و فردی تأثیر می‌گذارد. نتیجتاً، سرمایه اجتماعی بالاتر با رأی بیشتر به حزب دموکراتیک مرتبط است. همچنین موفه^۳ (۲۰۱۴، به نقل از: جها ۲۰۱۷)، معتقد است در کشورهایی که سرمایه اجتماعی شهروندانشان بالاتر است، میزان گرایش به رفتارهای مردم‌سالاری نیز بیشتر است.

این‌گار و وستوود کشف کردند که در آمریکا، گرایش‌های سیاسی در مقایسه با گرایش‌های قومیتی رواج بیشتری دارند (Iyengar & Westwood, 2015, p.695). در نهایت، مطالعه این دو نشان داد که سرمایه اجتماعی ممکن است بر گرایش‌های سیاسی اثرگذار باشد. همچنین تیلی (taiily, 2013) به «بررسی تأثیر قومیت بر گرایش‌های سیاسی» پرداخت، در این مطالعه این نتایج به دست آمد که قومیت به‌تنهایی موجب کاهش گرایش‌های سیاسی نمی‌شود بلکه رفتار محافظه‌کارانه در این میان نقش واسطه را دارد. فانک و بتمن^۴ (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش گرایش‌های سیاسی رأی‌دهندگان»، نشان دادند که رأی‌دهندگان با گرایش سیاسی محافظه‌کارانه تمایل بیشتری به داشتن مردم‌سالاری مستقیم در جامعه نشان داده‌اند (Jha & Chen, 2015). همچنین ژوتر و هیندلز در پژوهشی با عنوان «آیا سرمایه اجتماعی باعث تعلقات سیاسی می‌شود؟» استدلال می‌کنند که سرمایه اجتماعی می‌تواند رابطه مثبتی با گرایش‌های سیاسی داشته باشند (Jottier & Heyndels, 2012).

- بیلاندر و پیناکر در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و شرکت در انتخابات در بین اقلیت‌های قومیتی در کانادا» نشان دادند که احتمال شرکت در انتخابات تا حد زیادی محصول پایگاه اجتماعی- اقتصادی اس‌ای‌اس (SES) و سرمایه اجتماعی است (Bevelander & Pendakur, 2009).

گلین و دیگران در پژوهشی با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش مردم بر رأی دادن در انتخابات» استدلال می‌کنند که درک و فهم افراد از هنجارهای بر گرایش‌های سیاسی آنان اثر می‌گذارد (Glynn et al., 2009). گرب و روجرز (Gerber & Roggers, 2009) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و گرایش‌های رأی دادن»، تأثیر هنجارهای اجتماعی را بر گرایش سیاسی جمعیت رأی‌دهنده بررسی کرده‌اند. پژوهش آنان نشان می‌دهد هنگامی که هنجارهای اجتماعی در جامعه قوی‌تر می‌شوند، از یک طرف، میزان مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد و از طرف دیگر، مشارکت‌کنندگان تشویق می‌شوند تا در ادامه این روند، گرایش‌های سیاسی خود را در سطح ثابتی حفظ کنند. کلنسر اهمیت سرمایه اجتماعی را در افزایش فعالیت‌های سیاسی نشان داد. این مقاله طی سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۱ با عنوان «موج پیمایشی مقادیر و ارزش‌های جهانی»^۵ (WVS) شکل گرفت (Klesner & Kenyon, 2007). نتایج نشان داد که در شهرهای بزرگ مشارکت در فعالیت‌های سیاسی بیشتر است. در نهایت، این‌گونه بیان شد که مشارکت در بخش‌های سیاسی بیشتر شامل افراد مذکور جوامع می‌شود (Klesner & Kenyon, 2007, pp.13-22). از نظر سیدنی وریبا^۶ (۱۹۹۵) در صورتی می‌توان به فهم بهتر گرایش‌های سیاسی دست یافت که به اهمیت نقش روابط رودررو در مسائل مختلف نیز پی برده شود؛ بنابراین الگوی نظری زیر نگارش و ترسیم می‌گردد؛

چارچوب نظری

سرمایه اجتماعی مسیر مهمی برای نیل به توسعه سیاسی است و همچنین نقش مهمی در اتحاد جامعه مدنی دارد. همچنین باعث می‌شود که شهروندان با اطمینان بیشتر به بنیان‌های جامعه، آزادانه گرایش فکری و سیاسی خود را به‌عنوان یکی از مصادیق توسعه سیاسی بروز دهند. دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص چگونگی تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش‌های سیاسی وجود دارد. اولین دیدگاه، سرمایه اجتماعی را به‌عنوان جنبه‌ای از روابط میان فردی تعریف می‌کند که نوعی دارایی فردی محسوب می‌شود؛ اما از نگاه دیگر سرمایه اجتماعی به یک نوع بهره و منفعت گروهی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی تعریف می‌شود؛ بنابراین، در بررسی روابط بین سرمایه اجتماعی و گرایش‌های سیاسی تبیین‌های مختلفی

وجود دارد. سرمایه‌های اجتماعی به وسیله منابع انسانی شکل می‌گیرند، منابعی که قادر هستند توانایی فردی را بر قابلیت‌های گروهی افزایش دهد. اولین متفکر اثرگذار در این خصوص الکسیس دو توکویل است که بیان می‌کند خلق سازمان‌ها و انجمن‌های اجتماعی مهم‌ترین وظیفه اجتماعی و سیاسی در هر کشوری محسوب می‌شود (میلر ۲۰۰۹، به نقل از قاضی رهبر و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۵۶).

سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق کاهش هزینه همکاری‌های اجتماعی، باعث توسعه سیاسی در جامعه گردد؛ چون می‌تواند هنجارهای جامعه را تقویت کرده و بدین ترتیب، بر حسب این هنجارها، تعلقات سیاسی افراد را شکل دهد.

سرمایه اجتماعی می‌تواند استقلال فکری و همچنین فرصت‌های انتخاب آزادانه افراد را افزایش دهد. افرادی که از استقلال فکری بیشتری برخوردارند، می‌توانند با انتخاب آگاهانه، مشکلات خود را کاهش دهند؛ زیرا این اختیارات باعث ترغیب سیاسی افراد می‌گردد (Lake & Huckfeldt, 1998, p.572). در این راستا، وریا و همکاران او استدلال می‌کنند که افراد به سه دلیل در فعالیت‌های سیاسی شرکت نمی‌کنند: یک. آن‌ها نمی‌توانند؛ دو. آن‌ها نمی‌خواهند و سه. کسی از آن‌ها طلب نمی‌کند (وریا و همکاران، ۱۹۹۵، به نقل از قاضی رهبر و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۹)؛ بنابراین دلیل آخر می‌تواند از طریق سرمایه اجتماعی حل شود و مشوق خوبی برای فعالیت‌های سیاسی باشد. نظریه سرمایه اجتماعی کمک می‌کند تا بتوان نقش هم‌رنگی اجتماعی را در گرایش‌های سیاسی پیش‌بینی کرد. هنگامی که وابستگی‌های قومی و گروهی در میان افراد قوی باشد، آنان دیدگاه‌های یکسان بیشتری خواهند داشت و احتمالاً این همدلی می‌تواند به افراد در حل مشکلات سیاسی کمک کند (Granovetter, 1985, p.720).

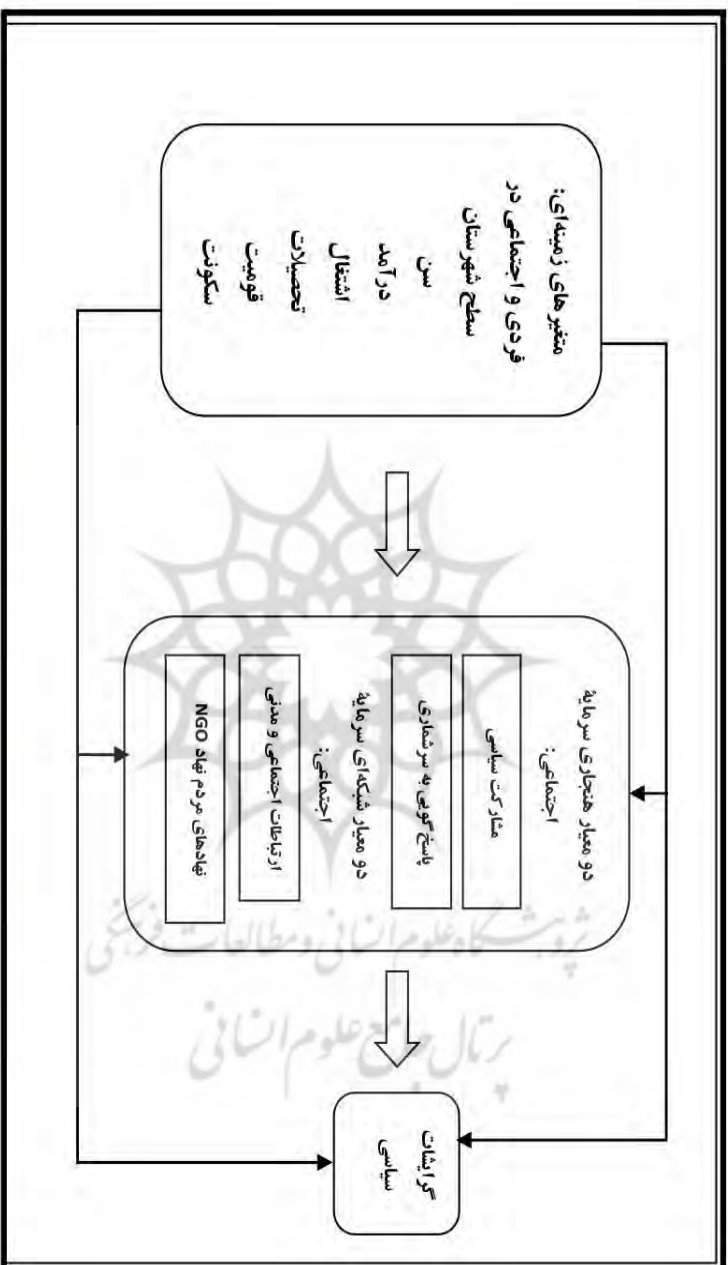
رهیافت انتخاب عقلایی: مهم‌ترین ریشه نظریه انتخاب عقلایی، رهیافت مبتنی بر گزینش معقولانه است (ریتزر، ۱۳۸۰، ص ۶۴۶). مطابق با دیدگاه انتخاب عقلانی آنچه باعث تعلق‌پذیری سیاسی می‌شود، برداشتی از میزان تأمین منافع با یک جهت‌گیری خاص سیاسی است. حاصل این نظریه آن است که رفتار سیاسی افراد را می‌توان به‌عنوان نتیجه انتخاب و گرایش‌های افراد دانست (مارش و استوکر، ۱۳۸۴، ص ۱۳۰). نظریه انتخاب عقلایی ضمن تشخیص پیچیدگی گرایش‌های انسانی، تصورش بر این است که افراد به

دنبال منافع فردی خود با کشش بسیار زیاد هستند (مارش و استوکر، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱). مشارکت‌کننده در این نظریه در انتخاب خود عقلانی عمل می‌کند. حوزه این رویکرد تبیین‌کننده هر نوع رفتار سیاسی اعم از رفتار تصمیم‌گیری داوطلبان پست ریاست جمهوری است (پالمر و همکاران، ۱۳۷۱، ص ۱۱۰). اولسون معتقد است که منافع عقلانی - شخصی فرد را وادار می‌کند که هزینه‌های مشارکت گروهی را در مقابل منافع فردی بسنجد (راش، ۱۳۷۷، ص ۱۳۶).

نظریه توسعه سیاسی و حوزه عمومی: یورگن هابرماس معتقد است عوامل اجتماعی تأثیر ژرفی بر سیاست دارند. وی اعتقاد دارد که اختلاف زیاد در پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی اس‌ای‌اس (SES) برای مردم‌سالاری زیان‌آور است (صبوری، ۱۳۸۱، ص ۸۰). ساموئل هانتینگتون نیز در این خصوص معتقد است طبقات بالا خواهان فعالیت سیاسی بیشتری هستند و سعی می‌کنند در تصمیم‌گیری سیاسی جامعه دخالت داشته باشند. ولی پایین بودن سطح پایگاه اجتماعی - اقتصادی اس‌ای‌اس (SES)، مانع از قوام یافتن گرایش‌ها و موضع‌گیری سیاسی جهت‌مند برای طبقات پایین جامعه است (صباغ‌پور، ۱۳۷۳، ص ۸۱). همچنین هرمز مهرداد در این رهیافت نیز معتقد است طبقه‌بندی‌های اجتماعی تأثیر زیادی بر روی گرایش‌های سیاسی افراد دارد (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۱۷۳). رهیافت انگیزش عمومی: وایتلی و سید (Whiteley and Seyd, 1996) اعتقاد دارند که این رهیافت نوعی از انتخاب عقلانی است و عواملی مانند هنجارهای اجتماعی نقش مهمی در کنش‌های جمعی دارند. در این راستا، وایتلی (Whiteley, 2004, p.85)، استدلال می‌کند که ایدئولوژی افراط‌گرایانه باعث می‌شود تا افراد به سمت شرکت در فعالیت‌های سیاسی تشویق شوند؛ زیرا این نوع گرایش‌ها باعث می‌شود تا افرادی که دارای اعتقادات مشترکی هستند، سعی کنند با افراد هم‌فکر خود تعاملات بیشتری داشته باشند. نظریه پردازان این حوزه توضیح می‌دهند که چگونه برخی وفاداری‌های افراد در مورد احزاب سیاسی می‌تواند بر روی فعالیت‌های سیاسی اثرگذارند (گالاگر و دیگران، ۲۰۱۰، به نقل از رهبر و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۴۳).

نظریه شبکه‌ای: این نظریه نوعی ساختارگرایی است. در این راستا، یکی از نظریه‌پردازان این نظریه، گرانووتر با نظریه‌ای با عنوان «قدرت و پیوندهای سست» است. گرانووتر میان «پیوندهای نیرومند» و «پیوندهای سست» تفاوت قائل می‌شود (Granovetter, 1973, p1360).

بر اساس نظریه شبکه‌ای هر چقدر استحکام روابط میان اعضای گروه بیشتر باشد، ارزش سرمایه اجتماعی کمتر خواهد بود. گرانووتر اعتقاد دارد که استحکام زیاد روابط درون‌گروهی، گروه را به یک گروه کاملاً بسته و درون‌گرا تبدیل می‌کند (نصراصفهانی و دیگران، ۱۳۹۰). در این راستا، لیپیست بیان می‌کند افراد جامعه ممکن است تحت تأثیر شبکه‌های غالب و فشارهای اجتماعی وادار به فعالیت‌های سیاسی و رأی دادن شوند (Lipset, & Rokkan, 1968, p.368). افرادی که از استقلال فکری بیشتری برخوردارند، می‌توانند با انتخاب آگاهانه، مشکلات خود را کاهش دهند؛ زیرا این اختیارات باعث ترغیب سیاسی افراد می‌گردد (Lake & Huckfeldt, 1998, p.572). نظریه سرمایه اجتماعی کمک می‌کند تا بتوان نقش هم‌رنگی اجتماعی را در تعلقات و گرایش‌های سیاسی پیش‌بینی کرد (Granovetter, 1985, p.85). کناک و کیفر استدلال می‌کند که فعالیت سیاسی افراد بیشتر از اینکه از طریق محاسبه هزینه و فایده صورت گیرد، از طریق هنجارهای اجتماعی دیده می‌شود (Knack. & Keefer, 1997). همچنین، اسمیت نیز استدلال می‌کند که دلیل اصلی عدم گرایش شهروندان به فعالیت‌های سیاسی، منابع مالی محدود و همکاری پایین در بین آن‌هاست (Smith, 2002). بنابراین، برای انطباق فرضیات پژوهش با نظریات موجود، مدل تحقیق به شکل زیر ترسیم و ارائه می‌گردد:



نمودار شماره ۱. مدل تحلیلی تحقیق: تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش‌های سیاسی

فرضیات پژوهش

الف. فرضیات مبتنی بر نتایج جمعیت‌شناختی پژوهش

- یک. سن افراد بر ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی تأثیر دارد.
- دو. میزان ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی در بین مردان و زنان تفاوت دارد.
- سه. میزان ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی در بین افراد بر حسب شاخص اس‌ای‌اس (SES) (شغل، تحصیلات و درآمد) تفاوت دارد.
- چهار. میزان ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی در بین قومیت‌های مختلف تفاوت دارد.
- پنج. میزان ابعاد مختلف مشارکت سیاسی در بین افراد بر حسب محل سکونت آنان تفاوت دارد.

ب) فرضیات فرعی پژوهش

- یک. ابعاد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی تأثیر دارد.
- دو. ابعاد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی تأثیر دارد.
- سه. ابعاد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اصول‌گرایی تأثیر دارد.
- چهار. ابعاد هنجاری سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی تأثیر دارد.
- پنج. ابعاد هنجاری سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی تأثیر دارد.
- شش. ابعاد هنجاری سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اصول‌گرایی تأثیر دارد.
- هفت. ابعاد سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی تأثیر دارد.
- هشت. ابعاد سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی تأثیر دارد.
- نه. ابعاد سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اصول‌گرایی تأثیر دارد.

ج) فرضیات اصلی پژوهش

- یک. سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی تأثیر دارد.
- دو. سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی تأثیر دارد.
- سه. سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اصول‌گرایی تأثیر دارد.

چهار. سرمایه اجتماعی بر کل گرایش‌ها به طیف‌های سیاسی، طی سه دوره انتخابات ریاست جمهوری (سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) تأثیر دارد.

پنج. سرمایه اجتماعی بر اولویت‌بخشی به گرایش‌های سیاسی مطابق قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی، طی سه دوره انتخابات ریاست جمهوری (سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) تأثیر دارد.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ روش‌شناختی، جزء پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود. همچنین برای بسط و تکمیل اطلاعات پژوهش، از ابزار پرسش‌نامه برای تحلیل توصیفی و استنباطی داده‌ها استفاده شده است و پس از جمع‌آوری، پردازش و تحلیل داده‌ها، برای آزمون فرضیات، روش‌های تجزیه و تحلیل شامل آزمون رگرسیون ساده، تحلیل رگرسیون چندگانه برای بررسی رابطه‌های چندگانه و ارائه معادله ساختاری ال‌اس (OLS) و پی‌ال‌اس (PLS) است. برای انجام عملیات آماری آزمون‌های مذکور، از نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس ۲۴ (SPSS24) برای ترسیم هیستوگرام‌ها و نمودارها و برای مدل‌سازی و تبیین روابط علی، از نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس ۳ (smartPLS3) استفاده گردید. واحد تحلیل این پژوهش به صورت تطبیقی است و در بین شهروندان ۱۸ سال به بالا در سطح خرد بررسی و اطلاعات لازم جمع‌آوری گردید. در ادامه برای کسب نتایج انتخابات طی سه دوره ریاست جمهوری (سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) برای هر سه طیف سیاسی اصلاح‌طلبی، اعتدال‌گرایی و اصول‌گرایی مشاهدات لازم با ابزار پرسش‌نامه انجام شد. همچنین کار با ۱۹۲۵ نمونه در سطح ۵ شهرستان بالای ۱۳۵۰۰۰ نفر (اهواز، آبادان، دزفول، ماهشهر و اندیمشک) جمعیت در استان خوزستان برای سنجش متغیرها شروع و در نهایت مشاهدات خالص و نهایی تحقیق، با وارد کردن داده‌های مربوط به این متغیرها تجزیه و تحلیل شد. روش نمونه‌گیری، جدول مورگان^۷ است. پس از تعیین میزان نمونه آماری، برای تعیین واحدهای نمونه از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای طبقه‌ای استفاده شده است. در مرحله اول ۲۷ شهرستان استان خوزستان را از نظر میزان جمعیت بر اساس نرخ سرشماری سال ۱۳۹۵ به ترتیب دسته‌بندی کرده و از این میزان بر حسب عامل جمعیتی، ۵ شهرستان انتخاب گردید و سپس

بر اساس مشخصات جمعیتی و سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها، به‌صورت تصادفی ۲ منطقه از مناطق طبقه بالا و ۲ منطقه از مناطق طبقه پایین انتخاب شدند. درنهایت، بر اساس این طبقه‌بندی از هر شهرستان ۳۸۴ نفر بالای ۳۸ سال (به‌دلیل واجد شرایط رأی‌دهی در هر سه دوره مذکور انتخابات ریاست جمهوری) انتخاب و مجموعاً تعداد ۱۹۲۰ نفر گزینش و پرسشنامه‌ها بین آنان توزیع گردید.

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است، از آنجاکه برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی شهروندان از شاخص سرمایه اجتماعی روپاسینگها و گوتز (Rupasingha & Goetz, 2008) استفاده شده است؛ بنابراین، این جنبه‌های چندگانه سرمایه اجتماعی بر اساس چهار شاخص دسته‌بندی و موردتوجه این پژوهش قرار گرفت: دو معیار هنجاری عبارت‌اند از: الف) نگرش به مشارکت سیاسی شهروندان ب) میزان پاسخ‌گویی و نحوه نگرش به سرشمارهای انجام‌گرفته در هر شهرستان از سال ۱۳۷۶ تاکنون و دو معیار تراکم شبکه‌ای عبارت‌اند از: الف) تعیین سطح ارتباطات اجتماعی و مدنی در هر شهرستان. ب) نحوه نگرش شهروندان به نهادهای مردم‌نهاد. درمجموع پرسشنامه این بخش مشتمل بر ۲۶ سنجه موردسنجش قرار گرفت. برای تعیین اعتبار پرسشنامه، مهم‌ترین روش‌ها بدین شرح عملیاتی گردید؛ الف) مرحله‌ی روایی سازه: در این مرحله تحلیل عاملی صورت گرفت. لازم به ذکر است که در این بخش مقدار آزمون بارتلت (مقدار KMO) در سطح کمتر از ۰/۵ معنادار بود که خود بیانگر استقلال متغیرها و همبستگی بین گویه‌های گرایش‌های سیاسی است. ب) برای روایی ملاک نیز بر اساس معیار و مصداق‌های موجود از هر طیف سیاسی به شکل قطعی و اطمینان از گرایش‌های سیاسی آنان، ۵ نفر انتخاب گردید. بدین ترتیب که از هر طیف فکری ۵ نفر با اطمینان کامل از گرایش سیاسی آنان، پرسشنامه مربوط به همان طیف فکری تحویل داده شد. درمجموع مشخص شد که سنجه‌های مربوط به هر مقیاس، بر حسب پاسخ‌گویی، از نمره و میانگین کل بالایی برخوردار بودند. درنهایت، پرسشنامه‌ای با ۲۷ سؤال فراهم آمد که پرسشنامه گرایش‌های سیاسی نام‌گذاری شد.

به‌منظور بررسی ساختار عاملی پرسشنامه، ضرایب رگرسیون چندگانه مورد استفاده قرار گرفته شد. برای استفاده از این روش، آزمون کفایت کیسر، مایر و اوکلین (KMO) و آزمون بارتلت منظور گردید؛ چراکه مقدار این آزمون (KMO) نشان داد که داده‌های

پژوهش قابلیت کاهش به تعدادی عامل‌های زیربنایی را دارد. همچنین شاخص مقادیر ویژه^۱ نشان می‌دهد که همبستگی بین متغیرها وجود دارد. در این راستا، در جدول (۱) میزان VIF هر یک از متغیرها اشاره شده است. روایی همگرا برای مدل‌های بازتابنده از طریق معیار میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) بررسی گردید؛ بنابراین مقادیر میانگین واریانس استخراج‌شده برای تمامی سازه‌های پژوهش بالاتر از ۰/۴ است و این امر نشان می‌دهد که روایی همگرای مناسبی در مدل پژوهشی وجود دارد. از سوی دیگر، برای بررسی میزان پایایی سازه‌ها از معیار پایایی ترکیبی (CR) استفاده شده است. ضریب پایایی ترکیبی میزان همبستگی مدل‌های اندازه‌گیری را مشخص می‌کند (Fung, 2003).

جدول شماره ۱. ارزیابی اندازه‌گیری مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش و آلفای کرونباخ

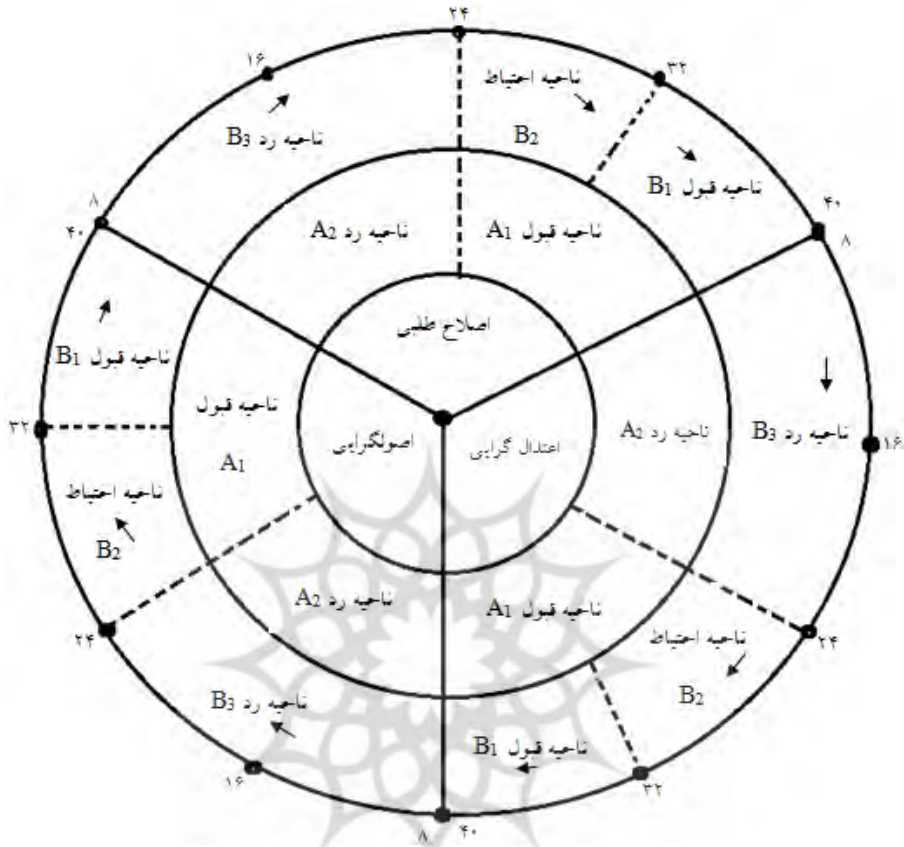
C.R	AVE	VIF	Condition Index	Eigenvalue	شاخص‌های پژوهش	آلفای کرونباخ	مدل‌های سازنده
۰/۸۲	۰/۷۳	۱/۴۶	۲/۲۵	۲/۵۴	ارتباطات اجتماعی	۷۴/۲	معیار شبکه‌ای
		۱/۵۳	۲/۲۷	۲/۵۵	نهادهای مردم‌نهاد		
۰/۸۰	۰/۷۱	۱/۳۵	۱/۷۲	۱/۸۸	سرشماری	۷۳/۵	معیار هنجاری
		۱/۰۹	۱/۰۸۱	۱/۰۹	نگرش به مشارکت		
۰/۷۷	۰/۵۵	۱/۲۴	۱/۹۵	۳/۱۵	اصلاح طلبی	۸۳/۳۳	گرایش‌های سیاسی
		۱/۳۷	۲/۱۸	۲/۴۷	اعتدال‌گرایی		
		۱/۰۴	۱/۹۹	۲/۱۸	اصول‌گرایی		

متغیرهای پژوهش و تعاریف واژگان و اصطلاحات تخصصی

سرمایه اجتماعی: پونتام (Putnam, 2000) اشاره دارد که یکی از شکل‌های اصلی سرمایه اجتماعی روابطی است که مردم در هنگام صرف وقت خود با دیگران شکل می‌دهند. این سرمایه با عنوان ایجاد شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای اجتماعی تلقی می‌شود (Putnam, 1995; Fukuyama, 2001).

معیار شبکه‌ای سرمایه اجتماعی^۹: از ابعاد شبکه‌های اجتماعی می‌توان به شبکه‌های افقی، شبکه‌های عمودی اشاره کرد (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۲۳۸). شبکه پیوندهای اجتماعی در سطح روابط رسمی و تعاملات گروهی در سطح اجتماعی بیشترین تأثیر را بر فعالیت سیاسی دارند (پناهی و خوش‌فر، ۱۳۹۰، ص ۶۷). همچنین معیار هنجاری سرمایه اجتماعی بر حسب میزان پاسخ‌گویی به سرشماری و میزان مشارکت رأی‌دهندگان است که در خصوص ابعاد پاسخ‌گویی به سرشماری، گویه‌هایی نظیر احساس اثرگذاری و کارایی داشتن در جامعه، ارزش زندگی و احساس مفید بودن، اعتماد به آمارگران و احساس تکلیف فردی داشتن؛ اما در خصوص ابعاد متغیر مشارکت سیاسی، مواردی از قبیل مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، مشارکت بر حسب مسئولیت‌پذیری در جامعه، پذیرش داوطلبانه نقش‌های سیاسی، عضویت در انجمن و احزاب سیاسی، فعالیت در روزنامه و مطبوعات سیاسی خواهد بود.

گرایش‌های سیاسی: گرایش‌های سیاسی، چارچوبی از افکار است که خیر عمومی در آن نهفته است (شهریاری، ۱۳۹۳). گروه‌های اولیه و اجتماعی تأثیر زیادی بر گرایش و فعالیت سیاسی افراد به‌جای می‌گذارند (Verba et al., 1995). در همین راستا گرایش‌های سیاسی در این پژوهش به سه طیف، اصول‌گرایی، اصلاح‌گرایی و اصلاح‌طلبی در نظر گرفته شد. گرایش‌های سیاسی بر حسب نوع و الگوی رأی‌دهی شهروندان در انتخابات سال‌های ۷۶، ۸۴ و ۹۲ ریاست جمهوری در استان خوزستان طراحی و ترسیم و سپس، الگوی رأی‌دهی شهروندان بر اساس قطب‌سنجی سیاسی محاسبه گردید.



نمودار شماره ۲. قطب‌نمای گرایش سنجی سیاسی

$$GR(\text{گرایش اصلاح طلبی}) = A1+r \text{ یا } B1+T1$$

$$GM(\text{گرایش اعتدال گرایی}) = A1+m \text{ یا } B1+T2$$

$$GO(\text{گرایش محافظه کاری}) = A1+o \text{ یا } B1+T3$$

$$GG(\text{گرایش غالب سیاسی}) = GR, GM, GO$$

در این معادله منظور از اصطلاحات «O»، «M» و «R»، به ترتیب عبارت است از: انتخاب یکی از کاندیدای انتخاباتی با گرایش سیاسی اصلاح طلبی، اعتدال گرایی و اصول گرایی. همچنین منظور از نقاط «T1, T2, T3» عبارت است از: عدم انتخاب گزینه انتخاباتی در بین همان طیف سیاسی بنا به دلایل مختلف و در گزینه GG گرایش غالب

سیاسی بر حسب بیشترین امتیاز در بین سه طیف محاسبه می‌شود. لازم به ذکر است برای سنجش گرایش‌های واقعی سیاسی شهروندان در هر سه طیف فکری، مطابق با نمودار شماره ۲، قطب‌نمای تعیین گرایش‌های سیاسی بر حسب سنجه‌های ارائه‌شده تدوین گردیده است؛ بدین صورت که برای هر طیف فکری به صورت جداگانه ۸ سؤال یا سنجه تدارک دیده شده است که حداقل و حداکثر امتیازات به ترتیب ۸ و ۴۰ است؛ بنابراین در صورت کسب حداقل نمره ۲۴ و انتخاب یکی از کاندیدای مربوط به همان طیف، گرایش سیاسی مربوط به آن طیف سیاسی تعیین و انتخاب می‌شود. همچنین در صورت عدم مشارکت فردی در انتخابات، رأی سفید و یا انتخاب گزینه دیگری از طیف مخالف، در صورت کسب نمره بین ۳۲ الی ۴۰ در آن طیف فکری، مبنای گرایش انتخاب همان طیف خواهد بود؛ بنابراین، گرایش سیاسی هر شخص مربوط به همان طیفی خواهد بود که این نمره را کسب کرده باشد. در این راستا، مطابق قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی، نسبت به تعیین و اولویت‌بندی گرایش‌های سیاسی شهروندان استان خوزستان در سه طیف فکری اصلاح‌طلبی، اعتدال‌گرایی و اصول‌گرایی بر این اساس اقدام گردید.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

نتایج حاصل در رابطه با وضعیت سنی پاسخگویان بیانگر این مطلب است که کمترین سن ۳۶ سال و بیشترین سن ۶۸ سال بوده است، همچنین ۵۸ درصد از شهروندان مورد مطالعه مرد و ۴۲ درصد زن هستند. در ادامه، ۳۸/۱ درصد (بیشترین) از شهروندان استان مورد مطالعه عرب، ۳۴/۲ درصد از این شهروندان بختیاری، ۲۰/۶ درصد از شهروندان فارس بومی بوده است. ۳۰/۴ درصد کارشناس (بیشترین) و ۱/۱ درصد (کمترین) از این شهروندان دارای مدرک حوزوی بوده‌اند. همچنین ۲۶/۵ درصد از پاسخگویان (بیشترین) در بخش امور خدماتی مشغول و ۹۳/۶ درصد پاسخگویان در مجموع شاغل بودند. در رابطه با سطح درآمد ۲۸/۶ درصد از این پاسخگویان دارای سطح درآمد تا ۱/۵۰۰/۰۰۰ هزار تومان، ۴۴/۴ درصد دارای سطح درآمد از ۱/۵۰۰/۰۰۱ تا ۴/۰۰۰/۰۰۰ تومان و ۱۹/۶ درصد دارای سطح درآمد ۴/۰۰۰/۰۰۱ تومان و بالاتر بوده‌اند.

جدول شماره ۲. آمار توصیفی شرکت کنندگان در هر یک از معیارهای تراکم شبکه‌ای و هنجاری

متغیر	تعداد	دامنه	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
ارتباطات اجتماعی و مدنی	۱۹۲۰	۲۵	۹	۳۴	۲۰,۶۹	۲,۵۸	-۰,۰۴۶	-۰,۳۶۱
شبکه‌های مردم‌نهاد	۱۹۲۰	۱۶	۶	۲۲	۱۲,۱۸	۲,۱۳	,۴۵	-۰,۱۲۳
کل تراکم شبکه‌ای	۱۹۲۰	۳۹	۱۷	۵۶	۳۲,۸۷	۵,۲۵	,۳۲	۰,۲۴۱
پاسخ‌گویی به سرشماری	۱۹۲۰	۲۷	۹	۳۶	۲۰,۰۱	۳,۲۰	,۱۸	,۲۲
نگرش به مشارکت سیاسی	۱۹۲۰	۱۶	۵	۲۱	۱۲,۰۴	۲,۴۳	,۳۹	-۰,۵۴
کل معیار هنجاری	۱۹۲۰	۳۴	۱۹	۵۳	۳۲,۰۶	۵,۸۵	,۵۴	,۹۱

با توجه به جدول شماره ۲، می‌توان چنین عنوان کرد که سطح تراکم شبکه‌ای شهروندان مورد مطالعه تا حدودی بالاتر از حد متوسط قرار دارد (میانگین ۳۲/۸۷). به طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که شاخص ارتباطات اجتماعی و مدنی در مقایسه با شاخص عضویت در شبکه‌های مردم‌نهاد از وضعیت بهتری برخوردار است. سطح معیار هنجاری سرمایه اجتماعی در بین شهروندان مورد مطالعه تقریباً در حد نسبتاً متوسطی قرار دارد (میانگین ۳۲/۰۶). همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که تمامی سطوح هنجاری سرمایه اجتماعی در میان شهروندان استان مورد مطالعه در حد پایین تراز متوسط قرار دارد.

جدول شماره ۳، نتایج تحلیل استنباطی نشان‌دهنده آزمون لون و تی برای ابعاد گرایش‌های سیاسی بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی شهروندان است. آزمون t در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ بیانگر تفاوت معنی‌دار در بین سه گروه سنی یادشده است. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان مردان و زنان در بعد گرایش‌های سیاسی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میزان گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی و اعتدال‌گرایی در بین زنان بیشتر از مردان است. در شاخص اس‌ای‌اس (SES) نتایج در ابعاد اصلاح‌طلبی و اعتدال‌گرایی معنی‌دار است و یکسان بودن میانگین نمره این دو گرایش سیاسی در بین

سطوح مختلف شاخص اس‌ای‌اس (SES) به لحاظ آماری معنی‌دار است. همچنین در بعد گرایش سیاسی اصلاح‌طلبی، شهروندان فارس بومی دارای بیشترین میزان گرایش اصلاح‌طلبی هستند. از سوی دیگر، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در ابعاد گرایش اعتدال‌گرایی و اصول‌گرایی، شهروندان عرب دارای بیشترین میزان گرایش سیاسی در این زمینه هستند. در ادامه در بعد گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی شهروندان اهوازی بالاترین میانگین و شهرستان آبادان کمترین میزان و در بعد گرایش اصول‌گرایی نیز شهرستان آبادان بالاترین میانگین و شهرستان ماهشهر کمترین میزان را داراست.

جدول شماره ۳. آزمون فرضیه‌های جمعیت‌شناختی پژوهش

متغیر ملاک	متغیر جمعیت‌شناختی	F	t	Sig.
اصلاح‌طلبی	سن	۲۲,۰۷	۱,۶۴	,۰۰۰۵
	جنس	۱۲,۰۳۸	۶,۴۴۵	,۰,۰۰۰۱
	اس‌ای‌اس (SES)	۴۵,۴۴	-۴,۱۲۲	,۰۰۰
	قومیت	۱۹,۸۳	-	,۰,۰۰۰۰
	سکونت	۶۹,۱۶	-	,۰,۰۰۰۵
اعتدال‌گرایی	سن	۱۴,۲۶	-۱,۵۰۷	,۰,۰۰۰۵
	جنس	۴۰,۷۲۴	-۰,۱۲۴	,۰,۰۰۰۵
	اس‌ای‌اس (SES)	۲۱,۰۶	۳,۴۶	,۰,۰۰۰
	قومیت	۱۳,۵۱	-	,۰,۰۰۰۴
	سکونت	۲۷,۶۶	-	,۰,۰۰۰۵
اصول‌گرایی	سن	۱,۱۲۱	-۰,۱۲۴	,۰,۰۰۰
	جنس	۸,۹۱۱	-۲,۴۰۹	,۰,۰۰۱
	اس‌ای‌اس (SES)	۱۰,۴۹۵	-۳,۱۲۴	,۰,۱۲۳
	قومیت	۱۷,۱۲	-	,۰,۰۰۰۵
	سکونت	۱,۸۶	-۸۶	,۰,۱۱۵

جدول شماره ۴ رابطه بین ابعاد سرمایه اجتماعی و میزان گرایش‌های سیاسی را نشان می‌دهد. مطابق نتایج پژوهش، بین ابعاد ارتباطات اجتماعی و مدنی و پاسخ‌گویی به سرشماری با گرایش اصلاح‌طلبی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد؛ اما بین شبکه‌های مردم‌نهاد و نگرش به مشارکت سیاسی با همین طیف، رابطه معنی‌دار و منفی مشاهده شد. درنهایت، بین ابعاد تراکم شبکه‌ای و هنجاری سرمایه اجتماعی با گرایش سیاسی اصلاح‌طلبی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

همچنین، بین بعد شبکه‌های مردم‌نهاد و پاسخ‌گویی به سرشماری با گرایش به اعتدال‌گرایی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد؛ اما بین ارتباطات اجتماعی و مدنی و بعد مشارکت سیاسی با گرایش به همین طیف رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. درنهایت، بین ابعاد تراکم شبکه‌ای و هنجاری سرمایه اجتماعی با گرایش سیاسی اعتدال‌گرایی رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول شماره ۴. همبستگی ابعاد شبکه‌ای اجتماعی و هنجاری با گرایش‌های سیاسی

اصول‌گرایی	اعتدال‌گرایی	اصلاح‌طلبی		
-۰,۱۴۴	۰,۰۱۸	۰,۴۰۶	همبستگی	ارتباطات اجتماعی و مدنی
۰,۰۰۰۵	۰,۴۳	۰,۰۰۰۵	معنی‌داری	
-۰,۱۰۹	-۰,۰۸	-۰,۳۰۲*	همبستگی	شبکه‌های مردم‌نهاد
۰,۰۰۰۵	۰,۰۰۲	۰,۰۰۰۵	معنی‌داری	
-۰,۲۰۲	۰,۰۵۱	۰,۱۸۴	همبستگی	پاسخ‌گویی به سرشماری
۰,۰۰۰۵	۰,۰۲۴	۰,۰۰۰۵	معنی‌داری	
-۰,۱۲۷	-۰,۰۲۷	۰,۰۲۲	همبستگی	مشارکت سیاسی
۰,۰۰۰۵	۰,۲۲۹	۰,۳۳۰	معنی‌داری	
-۰,۱۰۹**	۰,۰۲۳**	۰,۳۹۳**	همبستگی	تراکم شبکه‌ای
۰,۰۰۰۵	۰,۳۰۴	۰,۰۰	معنی‌داری	
-۰,۲۲۰**	۰,۰۲۱**	۰,۱۲۴**	همبستگی	ابعاد هنجاری
./۰۰۰	۰,۳۶۱	۰,۰۰	معنی‌داری	

جدول شماره ۵. معادله رگرسیون رابطه میان ابعاد سرمایه اجتماعی با گرایش‌های سیاسی را به تصویر می‌کشد. الف) مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر $0/493$ است. مقدار ضریب تعیین بیان‌کننده تبیین ۱۵ درصد از واریانس متغیر وابسته با ابعاد سرمایه اجتماعی است. مقدار $F=175/26$ و سطح معنی‌داری $0/0005$ رابطه معنی‌دار آماری میان سرمایه اجتماعی با میزان گرایش سیاسی اصلاح‌طلبی شهروندان را به تصویر می‌کشد. همچنین مقدار ضرایب بتا نشان می‌دهد که تمام ابعاد سرمایه اجتماعی بر روی گرایش به اصلاح‌طلبی تأثیر دارند. ب) مقدار ضریب همبستگی چندگانه میان متغیرهای مستقل و گرایش سیاسی اعتدال‌گرایی برابر $0/27$ است. مقدار $F=0/725$ و سطح معنی‌داری $0/484$ عدم رابطه معنی‌دار آماری میان سرمایه اجتماعی با میزان گرایش سیاسی اعتدال‌گرایی را به تصویر می‌کشد. ج) مقدار ضریب همبستگی چندگانه میان متغیرهای مستقل و گرایش سیاسی اصول‌گرایی برابر $0/224$ است. مقدار $F=50/631$ و سطح معنی‌داری $0/0005$ رابطه معنی‌دار میان سرمایه اجتماعی با میزان گرایش سیاسی اصول‌گرایی را به تصویر می‌کشد و بدین ترتیب مدل پژوهش تأیید می‌شود. مقدار منفی ضرایب بتا نشان می‌دهد که تمام ابعاد سرمایه اجتماعی بر روی گرایش به اصول‌گرایی تأثیر معکوس دارند.

جدول شماره ۵. ضرایب رگرسیون به ازای رگرسیون هر بعد از سرمایه اجتماعی بر میزان گرایش‌های سیاسی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضرایب استاندارد بتا	t	سطح معناداری
گرایش اصلاح‌طلبی	تراکم شبکه‌ای	۰,۳۴۳	۱۷,۷۸	۰,۰۰۰۵
	هنجاری	۰,۰۰۴	۰,۱۹۰	۰,۸۴۹
	$R = 0.394$	$R \text{ Square} = 155$	$F = 175.62$	۰,۰۰۰۵
گرایش اعتدال‌گرایی	تراکم شبکه‌ای	۰,۰۱۶	۰,۷۸۶	۰,۴۳۲
	هنجاری	۰,۰۱۳	۰,۶۲۸	۰,۵۳۰
	$R = 0.027$	$R \text{ Square} = .001$	$F = .725$	۰,۴۸۴
گرایش اصول‌گرایی	تراکم شبکه‌ای	-۰,۰۴۶	-۱,۹۸۴	۰,۰۴۷
	هنجاری	-۰,۲۰۵	-۸,۷۸۳	۰,۰۰۰۵
	$R = .224$	$R \text{ Square} = .050$	$F = 50.631$	۰,۰۰۰۵

جدول شماره ۶. مقایسه میانگین ابعاد گرایش‌های سیاسی با استفاده از تحلیل واریانس

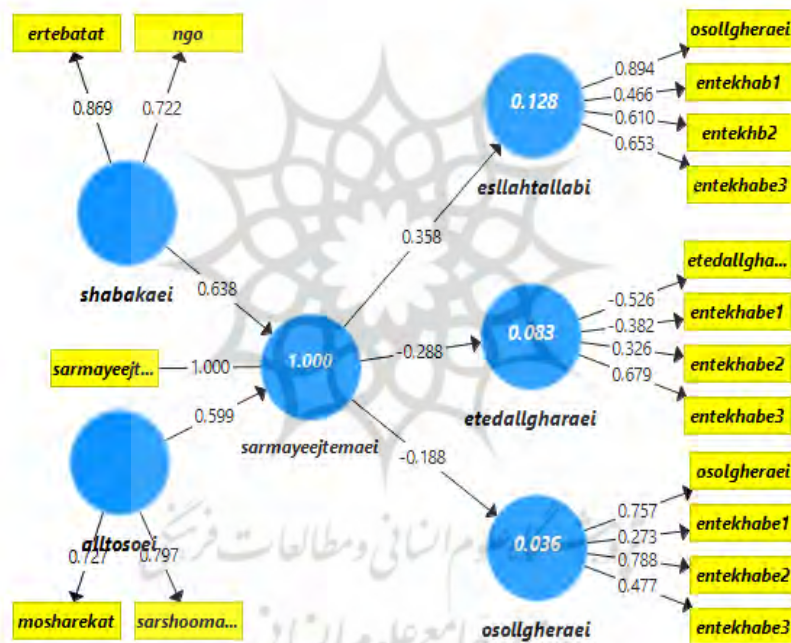
95% confidence Interval		سطح معناداری	انحراف معیار	میانگین تفاوت*	گرایش غالب به طیف‌های سیاسی	گرایش
Upper Bound	Lower Bound					
-۱,۹۷	-۴,۰۵	۰,۰۰	۰,۵۲۹	*۳,۰۱	اصول‌گرایی	اصلاح‌طلبی
-۵,۶۸	-۷,۸۶	۰,۰۰	۰,۵۵۶	*۶,۷۷	اعتدال‌گرایی	
۴,۰۵	۱,۹۷	۰,۰۰	۰,۵۲۱	*-۳,۰۱۶	اصلاح‌طلبی	اصول‌گرایی
-۲,۵۳	-۴,۹۷	۰,۰۰	۰,۵۶۲	۳,۷۵	اعتدال‌گرایی	
۷,۸۶	۵,۶۸	۰,۰۰	۰,۵۵۶	*-۶,۷۷	اصلاح‌طلبی	اعتدال‌گرایی
۴,۹۷	۲,۵۳	۰,۰۲	۰,۶۶۲	*-۳,۷۵	اصول‌گرایی	

همان‌طور که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود: الف) با توجه به مثبت بودن تفاوت میانگین گرایش اصلاح‌طلبی از گرایش به اصول‌گرایی (۳,۰۱)، می‌توان نتیجه گرفت که میانگین گرایش‌های اصلاح‌طلبی از گرایش‌های اصول‌گرایی و همچنین اعتدال‌گرایی با میانگین (۶,۷۷) بیشتر است و چون مقدار معنی‌داری این مقایسه کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بیشتر بودن میانگین گرایش اصلاح‌طلبی از این دو بعد تأیید می‌شود. ب) میانگین گرایش به اصول‌گرایی از گرایش به اصلاح‌طلبی کمتر است (۳,۰۱۶-); زیرا حاصل اختلاف میانگین این دو متغیر منفی است. ج) مقدار میانگین گرایش به اعتدال‌گرایی از گرایش به اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی به علت منفی شدن حاصل تفاوت میانگین آنان، به ترتیب کمتر است (۶,۷۷-) و (۳,۷۵-). کمتر بودن مقدار معنی‌داری این دو از ۰/۰۵ کمتر بودن میانگین گرایش به اعتدال‌گرایی از دو بعد دیگر تأیید می‌شود.

مدل‌سازی معادلات ساختاری فرضیات پژوهش

فرضیات اصلی در قالب مدل معادلات ساختاری در نمودار شماره ۳ بررسی شد و مسیر مدل ساختاری ارزیابی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی بیشترین تأثیر را بر

گرایش به طیف سیاسی اصلاح طلبی و کمترین تأثیر را بر میزان گرایش‌ها به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی دارد. در مجموع، سرمایه اجتماعی دارای ضریب تأثیر متوسطی (۰,۴۵۸) بر روی گرایش‌های سیاسی است؛ به عبارت دیگر، ضریب این مسیر بیانگر این است که سرمایه اجتماعی توانسته است ۴۵ درصد از تغییرات متغیر گرایش‌های سیاسی را تبیین کند. از سوی دیگر، خروجی مدل با استفاده از دستور «bootstrapping» نشان می‌دهد که ضریب معناداری سرمایه اجتماعی و گرایش‌های سیاسی از ۱,۹۶ بیشتر است که این مطلب حاکی از معنی دار بودن تأثیر سرمایه اجتماعی بر روی متغیر گرایش‌های سیاسی است.



نمودار شماره ۳. مدل معادلات ساختاری مربوط به تأثیر سرمایه اجتماعی بر ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی

با در نظر گرفتن نتایج جدول شماره ۷ نتایج نشان می‌دهد که تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش‌ها (اصول‌گرایی، اعتدال‌گرایی و اصلاح‌طلبی) در سطح معنی‌داری ۹۵٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، برای بررسی کیفیت یا اعتبار مدل از شاخص بررسی اعتبار حشو یا افزونگی^{۱۰} استفاده شد. شاخص حشو که به آن q2 استون-گیسر نیز می‌گویند. مقادیر مثبت

این شاخص نشانگر کیفیت قابل قبول ساختاری است. نتایج نشان می‌دهد که مقادیر شاخص اعتبار حشو مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته مثبت و بزرگ‌تر از صفر است. در نتیجه، می‌توان گفت که مدل مورد بررسی از اعتبار خوبی برخوردار است.

جدول شماره ۷. مدل ارتباط سرمایه اجتماعی با ابعاد گرایش‌های سیاسی

گرایش اصول‌گرای	گرایش اعتدال‌گرایی	گرایش اصلاح‌طلبی	Latent variable
-۰,۱۸۸	-۰,۲۸۸	۰,۳۵۸	Path coefficients
۹,۹۰۱	۱,۲۸۸	۲۳,۶۹۲	T Statistics
۰,۰۰	۰,۲۳۰	۰,۰۰	P-value
۰,۰۴۶	۰,۰۱۱	۰,۰۱۰	F
۰,۰۳۶	۰,۰۸۳	۰,۱۲۸	R square

جدول شماره ۸. خلاصه پیش‌بینی دو متغیر اصلی گرایش‌های سیاسی و سرمایه اجتماعی

نام متغیر	RMSE	MAE	Q2-PREDICT
گرایش‌های سیاسی	۰,۳۳۲	۰,۲۵۵	۰,۴۴۹
سرمایه اجتماعی	۰,۱۲۰	۰,۰۸۶	۰,۹۸۶

میانگین مجموع مربعات خطا (RMSE^{۱۱})، یک نوع خطا در داده‌کاوی و رگرسیون است؛ بنابراین خلاصه پیش‌بینی نمودار شماره ۹ و خروجی مدل با استفاده از دستور PLS-Predict نشان می‌دهد که گرایش‌های سیاسی بر حسب سه طیف سیاسی مورد مطالعه (۰,۳۳۲) و سرمایه اجتماعی بر حسب دو بعد شبکه‌ای و هنجاری (۰,۱۲۰) کمترین فاصله را دارند؛ به عبارتی دیگر، بهترین موقعیت خطوط متغیرهای سرمایه اجتماعی و گرایش‌های سیاسی، یعنی کمترین مقدار RMSE است. پس تولید DEM در این متغیر با دقت مناسبی صورت گرفته است. همچنین مقدار مطلق خطا (MAE^{۱۲}) استفاده شده است که در این روابط تعداد و خطاهای پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به دو متغیر گرایش‌های سیاسی و سرمایه اجتماعی با مقادیر به ترتیب ۰,۲۵۵ و ۰,۰۸۶ به دست آمده است؛ این تفاوت

مقادیر پیش‌بینی از واقعیت در هر دو متغیر ذکر شده به ترتیب برابر با ۰,۴۴۹ و ۰,۹۸۶، مطابق با دستورالعمل Q2-PREDICT به شکل مناسب است.

جمع‌بندی

* میزان گرایش‌های سیاسی در گروه‌های سنی مختلف از یک برابری نسبی برخوردار است. احتمالاً این موضوع بر اساس شناور بودن سطح فعالیت‌های سیاسی است. در راستای یافته‌های کلنسر (Klesner. & Kenyon, 2007)، سن با سطح گرایش‌های سیاسی ارتباط دارد. از جمله دلایلی که برای این مسئله بیان شده، می‌توان به تحرک‌پذیری سیاسی شهروندان در فعالیت‌های سیاسی اشاره کرد. همچنین میزان گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی و اعتدال‌گرایی در بین زنان بیش از مردان است؛ در این راستا، وربا (Verba, Schlozman, and Brady, 1993) و کانوی (Conway, 2000) نشان می‌دهند شهروندانی که از جایگاه بالاتری برخوردارند، پول لازم به منظور اثرگذاری بر سیاست را دارند. بدین ترتیب، در بعد اصول‌گرایی نیز در بین پاسخگویان تفاوت معنی‌داری بین این نوع از گرایش و شاخص اس‌ای‌اس (SES) وجود ندارد. این امر به نظر می‌رسد طبق نظر کانوی (Conway, 2000) که سطح درآمد متغیر مهمی از پایگاه اجتماعی و اقتصادی است، کاملاً مشهود باشد. در همین راستا قضایای مفهومی مستخرج از رهیافت نظریه توسعه سیاسی و حوزه عمومی، بین شاخص اس‌ای‌اس (SES) و فعالیت‌های سیاسی ارتباط وجود دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در ابعاد گرایش اعتدال‌گرایی و اصول‌گرایی، شهروندان عرب دارای بیشترین میزان گرایش سیاسی در این زمینه هستند. در همین حال نش (۱۳۹۱)، از قومیت به عنوان اصطلاحی خود توصیف‌گر در فعالیت‌های سیاسی یاد می‌کند. برادی و دیگران (Brady, et al., 1995) نیز معتقدند که قومیت بر میزان گرایش‌های سیاسی اثرگذار است. قضایای مفهومی مستخرج از رهیافت انگیزش‌های عمومی نیز ارتباط بین قومیت با گرایش‌های سیاسی را نشان می‌دهد. همچنین در بعد گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که محل سکونت شهروندان استان خوزستان در گرایش آنان به طیف‌های سیاسی اعتدال‌گرایی و اصلاح‌طلبی تأثیر معنادار دارد؛ به گونه‌ای که شهروندان شهرستان اهواز در این دو طیف سیاسی بیشترین تأثیر را

نسبت به شهرهای بزرگ‌تر دارد که این مسئله گویای آن خواهد بود که تراکم جمعیت در مرکز استان نسبت به جمعیت سایر شهرهای مورد مطالعه در نوع تعلقات سیاسی اثرگذار است. نتایج این یافته‌ها مطابق با دیدگاه راش (۱۳۷۷) است، چون محل سکونت ممکن است تعلقات سیاسی را کم و زیاد کند.

* بین تمام ابعاد تراکم شبکه‌ای سرمایه اجتماعی و گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. این امر با یافته‌های پوتنام (Putnam, 1998) و بوردیو (Bourdieu, 1989) همسو است؛ چراکه انجمن‌های مردمی و برقراری سطحی از ارتباطات اجتماعی می‌تواند باعث افزایش میزان فعالیت‌های انتخاباتی باشند. این امر احتمالاً به این دلیل است که انجمن‌های مردم‌نهاد به راحتی می‌تواند فعالیت‌های جمعی را تسهیل بخشند. همچنین شبکه‌های اجتماعی می‌تواند یک جریان متحد به سمت یک طیف سیاسی خاص شکل دهد. در این راستا، گربر و دیگران (Gerber et al., 2008) بیان می‌کنند که تعداد ارتباطات اجتماعی و مدنی تأثیر بسیار قوی‌ای بر روی گرایش‌های سیاسی جمعیت رأی‌دهنده دارد.

* بین بعد شبکه‌های مردم‌نهاد و گرایش به اعتدال‌گرایی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد احتمالاً تغییرات در بعد شبکه‌های مردم‌نهاد باعث ایجاد نوسان در میزان گرایش به اعتدال‌گرایی می‌شود. به نظر می‌رسد یافته‌های این پژوهش با یافته‌های بارت (Burt, 2000) و وربا (Verba et al., 1995) و فوکویاما (Fukuyama, 1999) همسو است. در این راستا، ابعاد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی مقوله‌ای است که باعث تعویض تعلق‌پذیری سیاسی است؛ ولی بین ابعاد شبکه‌های مردم‌نهاد و ارتباطات اجتماعی و مدنی با گرایش به طیف سیاسی اصول‌گرایی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. این امر با یافته‌های سیدنی وربا (Verba et al., 1995) همخوانی دارد؛ چراکه بر اهمیت گروه‌های اجتماعی در تحلیل رفتارهای سیاسی افراد تأکید می‌کنند.

* بین بعد پاسخ‌گویی به سرشماری و گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های گربر و دیگران (Gerber et al., 2008) همسوست. آن‌ها استدلال می‌کنند که هنجارهای اجتماعی تأثیر بسیار زیادی بر روی فعالیت‌های سیاسی دارد. این تأثیر مهم به سبب هنجارهای اجتماعی از قبیل

شرکت در امور اجتماعی است که رفتارهای سیاسی شهروندان را در یک جهت خاص سوق می‌دهد. این امر با یافته‌های جها و دیگران (Jha et al., 2018) همسوست؛ چراکه معیار هنجاری سرمایه اجتماعی شامل افرادی است که از طریق مسئولیت‌پذیری با همدیگر ارتباط دارند.

* بین بعد پاسخ‌گویی به سرشماری و گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد احتمالاً تغییرات در بعد پاسخ‌گویی به سرشماری باعث ایجاد نوسان در میزان گرایش به اعتدال‌گرایی می‌شود. این امر با یافته‌های فونگ (Fung, 2003)، و اسکوسمن و سول (Schussman & Soule, 2005) همسوست؛ چراکه آنان ارتباطات زیادی در خصوص میزان پاسخ‌گویی به سرشماری و میزان مشارکت در انتخابات با تقویت سرمایه اجتماعی قائل هستند؛ بنابراین تقویت بعد مسئولیت‌پذیری در گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی اثرگذار خواهد بود.

* بین بعد پاسخ‌گویی به سرشماری و مشارکت سیاسی با گرایش به طیف سیاسی اصول‌گرایی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد احتمالاً تغییرات در بعد پاسخ‌گویی به سرشماری و مشارکت سیاسی باعث ایجاد نوسان در میزان گرایش به اصول‌گرایی می‌شود. این امر با یافته‌های گربر و روجرز (Gerber & Roggers, 2009) و کلمن (Coleman, 1995) مطابقت دارد؛ چراکه هر دو به بررسی تأثیر هنجارهای اجتماعی بر گرایش سیاسی جمعیت رأی‌دهنده پرداخته‌اند. پژوهش‌های آن‌ها نشان می‌دهد هنگامی که بعد هنجاری سرمایه اجتماعی در جامعه قوی‌تر می‌شوند، مشارکت‌کنندگان تشویق می‌شوند تا گرایش‌های سیاسی خود را در سطح ثابتی حفظ کنند. در این تعریف سطح ثابت گرایش سیاسی می‌تواند همان طیف سیاسی اصول‌گرایی باشد.

* بین ابعاد تراکم شبکه‌ای و هنجاری سرمایه اجتماعی با گرایش سیاسی اصلاح‌طلبی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش میانگین معیار تراکم شبکه‌ای و معیار هنجاری میزان گرایش به اصلاح‌طلبی بالاتر می‌رود. نتایج این یافته‌ها با تحقیقات جاکوبی (Jacoby, 2014) همسوست؛ چون به این نتیجه دست یافتند که در جوامع با میزان سرمایه اجتماعی بالا، متعاقباً گرایش اصلاح‌طلبی آنان تقویت خواهد شد همچنین گلین و دیگران (Glynn et al., 2009) استدلال می‌کنند که درک و

فهم افراد از هنجارهای اجتماعی، بر گرایش‌های سیاسی آنان تأثیر می‌گذارد. احتمالاً علت اصلی تأثیر معیارهای هنجاری سرمایه اجتماعی بر گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی به‌عنوان تأثیر غالب این است که افراد تلاش می‌کنند تا به‌گونه‌ای هماهنگ با بیشتر مردم رفتار کنند و بدین شیوه گرایش‌های سیاسی خود را انتخاب کنند.

* بین ابعاد تراکم شبکه‌ای و هنجاری سرمایه اجتماعی با گرایش سیاسی اعتدال‌گرایی رابطه معناداری وجود ندارد. به نظر می‌رسد این امر با یافته‌های جها (Jha et al., 2018) همسوست. جها استدلال می‌کند که یک شهرستان با سرمایه اجتماعی بالا می‌تواند باعث خلق ارزش‌هایی شود که افراد را به‌جای آنکه بر حسب نوع گرایش‌های سیاسی به دولت وابسته باشند، به حل مشکلات خود بدون در نظر گرفتن این مسائل جناحی تشویق کند.

* بین ابعاد تراکم شبکه‌ای و هنجاری سرمایه اجتماعی با گرایش سیاسی اصول‌گرایی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد احتمالاً تغییرات در میزان بین ابعاد تراکم شبکه‌ای و هنجاری سرمایه اجتماعی باعث ایجاد نوسان در میزان گرایش سیاسی اصول‌گرایی می‌شود. همچنین نتایج این یافته‌ها با تحقیقات پوتنام (Putnam, 2000) همسوست؛ چون رابطه میان شبکه‌های اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی مهارت‌های لازم را برای مفید بودن در جامعه به‌ویژه در نشان دادن نوع گرایش‌های سیاسی نشان می‌دهد؛ زیرا انتخاب کاندیدا و احزاب سیاسی توسط شهروندان بر اساس ارزش‌های مشترک و موردقبول آنان صورت می‌گیرد.

* سرمایه اجتماعی بر روی گرایش سیاسی اصلاح‌طلبانه تأثیر معنی‌دار دارد. افزایش ارتباطات و سرمایه‌های اجتماعی امکان تغییر گرایش‌های سیاسی را افزایش یا کاهش می‌دهد و این رفتارهای اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی اثرگذار است؛ بنابراین می‌توان گفت که وجود سرمایه اجتماعی بالا، احتمالاً امکان تغییر گرایش‌های سیاسی به طیف اصلاح‌طلبی را جابه‌جا می‌سازد؛ به‌عبارت‌دیگر همسو با تعبیر کلمن (۱۹۹۰) و فوکویاما (۱۹۹۹)، ویژگی‌های اصلی سرمایه اجتماعی مانند ارتباطات، هنجارهای اجتماعی و ایجاد جامعه شبکه‌ای برای شکل‌گیری امور سیاسی است.

* سرمایه اجتماعی بر روی گرایش سیاسی اعتدال‌گرایانه رابطه معنی‌داری ندارد. به نظر می‌رسد این امر با یافته‌های کلمن (Coleman, 2000) در تضاد است؛ زیرا افزایش ارتباطات اجتماعی و مدنی در راستای تقویت سرمایه‌های اجتماعی امکان تعلق‌پذیری‌های خاصه را افزایش می‌دهد.

* سرمایه اجتماعی بر روی گرایش سیاسی اصول‌گرایانه رابطه معنی‌داری و معکوسی وجود دارد. افزایش ارتباطات و سرمایه‌های اجتماعی امکان تغییر و جابه‌جا کردن گرایش‌های سیاسی را افزایش یا کاهش می‌دهد و این رفتارهای اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اصول‌گرایی اثرگذار است؛ بنابراین می‌توان گفت که وجود سرمایه اجتماعی بالا، احتمالاً امکان تغییر علقه و گرایش‌های سیاسی به طیف اصول‌گرایی را جابجا می‌سازد و برعکس؛ به عبارتی دیگر، رابطه منفی بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی در نتیجه، به افزایش یا کاهش گرایش‌های سیاسی اصول‌گرایی افراد در فعالیت‌های سیاسی جامعه منجر خواهد شد. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های ژوتر و هیندلز (Jottier & Heyndels, 2012) همسوست.

* سرمایه اجتماعی بر کل گرایش‌ها به طیف‌های سیاسی، طی سه دوره انتخابات ریاست جمهوری (سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) تأثیر دارد. همسو با دیدگاه گرانووتر (Granovetter, 1985)، انتظار می‌رود افرادی که به سرمایه‌های اجتماعی گسترده دسترسی دارند، تعلق‌پذیری سیاسی خاصی داشته باشند. به سبب اینکه سرمایه اجتماعی مردم را به همدیگر پیوند می‌دهد و بدین ترتیب احتمالاً گرایش‌های سیاسی به یک سمت خاص معنادار خواهد شد. در مجموع، می‌توان بیان کرد سرمایه اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل برای تهییج به فعالیت‌های سیاسی است. در مکتب انتخاب عقلانی از آنتونی داونز، نیز هرگونه رفتار سیاسی حاصل تصمیم فردی بازیگر است که به‌طور عاقلانه اهداف او را تأمین می‌کند. ژوتر و هیندلز (Jottier & Heyndels, 2012) نیز استدلال می‌کنند که تصور مردم از کارایی حکومت با شرکت در انتخابات و گرایش سیاسی به احزاب رابطه مثبتی وجود دارد.

* سرمایه اجتماعی بر اولویت‌بخشی به گرایش‌های سیاسی مطابق قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی، طی سه دوره انتخابات ریاست جمهوری (سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) تأثیر دارد. بر اساس قطب‌نمای گرایش‌های سیاسی معین گردید که بیشترین

علقه و تعلقات طیفی در استان خوزستان مربوط به طیف اصلاح طلبی و کمترین تعلقات سیاسی در استان مربوط به طیف اعتدال گرایی است؛ یعنی مطابق این یافته‌ها، با افزایش سرمایه اجتماعی به ترتیب اولویت گرایش‌های سیاسی بر حسب گرایش‌های اصلاح طلبی، اصول گرایی و اعتدال گرایی تعیین و انتخاب می‌گردد؛ بنابراین نتایج این بخش با دیدگاه ابوالحسنی (۱۳۸۴) و عالم (۱۳۷۹) همسوست؛ زیرا نابرابری‌های اقتصادی و دغدغه‌های سیاسی در نوع گرایش‌های سیاسی مؤثر است. در این راستا، مطابق قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی سرمایه اجتماعی در استان خوزستان بیشترین تأثیر را بر روی گرایش به طیف فکری اصلاح طلبی داشته است.

یادداشت‌ها

1. Political leanings
2. Social capital
3. muffle
4. Funck and betmman
5. تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی که در سال ۲۰۰۳ توسط اینگلهارت به کار گرفته شد.
6. Sydney Verba
7. این فرمول حداکثر تعداد نمونه را ارائه می‌دهد. جدول مورگان حاصل زحماتی است که گرجسی و مورگان کشیده‌اند.
8. Eigenvalue
9. Social Networks
10. Redundancy
11. Root mean square error
12. Mean absolute error

- ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۴). «نگرش و گرایش‌های سیاسی مردم (اصلاح‌طلبی یا محافظه‌کاری)»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۶۹، صص ۱-۲۴.
- احمدی، یعقوب و مرادی، سالار (۱۳۹۷). «سرمایه اجتماعی و فرهنگ شهروندی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۲۷، ش ۱۸، صص ۱۰۱-۱۲۹.
- پالمر، ریچارد (۱۳۷۱). *علم هرمنوتیک: نظریه تاویل در فلسفه‌های شلایرماخر، دیلتای، هایدگر، گادامر*، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، نشر هرمس.
- پناهی، محمدحسین و خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی استان گلستان»، *پژوهشنامه جامعه‌شناسی جوانان*، دوره ۲، ش ۱، صص ۶۱-۸۲.
- پوتنام، رابرت (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه دلفروز، محمدتقی، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- تیلی، چالز (۱۳۹۲). *جنبش‌های اجتماعی*، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ذولفقاری، ابوالفضل و فعلی، جواد (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر جایگاه جوانان تهران در فضای اجتماعی بر روی میزان گرایش به ارزش‌های دموکراتیک»، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، دوره ۲، ش ۵، صص ۱۷۷-۲۰۱.
- راش، مایکل (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- ریترز، جورج (۱۳۸۰). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- شهریاری، حیدر (۱۳۹۳). «تحلیل تطبیقی گرایش سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران»، *فصلنامه دانش سیاسی*، دوره ۲، ش ۲۰، صص ۶۳-۱۰۱.
- صباغ‌پور، علی‌اصغر (۱۳۷۳). «بررسی نگرش سیاسی-مذهبی جوانان ذکور تهران»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی*، دانشگاه تربیت مدرس.
- صبوری، منوچهر (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی سازمان‌ها*، تهران: نشر شب‌تاب.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۹). «بازبینی طیف گرایش‌های سیاسی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۴۸، صص ۱۱۵-۱۵۵.

- عباسی سرمدی، مهدی؛ مهربانی کوشکی، راضیه و رهبرقاسی، محمودرضا (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت در انتخابات»، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، دوره ۵، ش ۲، ۴۱-۶۰.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: جامعه ایران.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵). آمریکا بر سر تقاطع: دموکراسی، قدرت و میراث جریان نو محافظه کاری در آمریکا، ترجمه مجتبی امیری وحید، تهران: نشر نی.
- قاسمی، وحید؛ اسماعیلی، رضا و ربیعی، کامران (۱۳۸۵). «سطح بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان استان اصفهان»، رفاه اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲۳.
- قاضی رهبر، محمود؛ امام جمعه زاده، سیدجواد؛ هرسیج، حسین و حاتمی، عباس (۱۳۹۳). «تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه های اصفهان، صنعتی اصفهان، هنر اصفهان و علوم پزشکی اصفهان در سال تحصیلی (۱۳۹۳-۱۳۹۲))»، پایان نامه دکتری رشته علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان دانشکده علوم اداری گروه علوم سیاسی.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مارش، دیوید و استوکر، جری (۱۳۸۴). روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- میرزایی، خلیل و جعفری، فاطمه (۱۳۸۸). «تأثیر عوامل اجتماعی و جمعیتی بر گرایش سیاسی دانش آموزان دبیرستان رودهن»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، دوره ۲، ش ۳، صص ۱۶۱-۱۷۷.
- مهرداد، هرمز (۱۳۷۶). جامعه پذیری سیاسی، تهران: نشر پازنگ.
- نش، کیت (۱۳۹۱). جامعه شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه دلفروز، تهران: انتشارات کویر، چاپ ۱۰.
- نصراصفهانی، علی و [دیگران]. (۱۳۹۰). «بررسی سرمایه اجتماعی سازمانی در سازمان های خدماتی استان اصفهان؛ با رویکرد آموزه های مدیریت در آثار سعدی»، جامعه شناسی کاربردی، شماره ۴۱.
- نیک بخش، بهرام و باقری، معصومه (۱۳۹۳). درآمدی بر مبانی جامعه شناسی، اهواز: انتشارات کردگار.
- نیک بخش، بهرام؛ مقدس جعفری، محمدحسن و ادیب نیا، اسد (۱۳۸۶). «بررسی سرمایه اجتماعی در بین دانش آموزان دبیرستان های اهواز»، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱، ش ۳، صص ۱۰۸-۱۳۲.

- Brady, H. Sidney Verba and Kay Lehman Schlozman. (1995). "Beyond SES: A Resource Model of Political Participation", *American Political Science Review*, 89 (2): 271–94 (June).
- Bevelander, P. & Pendakur, R. (2009). "Social capital and voting participation of immigrants and minorities in Canada", *Ethnic and Racial Studies*, 32.
- Bourdieu, P. (1989). *A Social Critique of the Judgement of Taste*. Publisher: Harvard University Press.
- Burt, R. (2000). "The network structure of social capital. Research in Organ". *Behav*, 22, 345-423.
- Coleman, J. (1995). *Achievement-Oriented School Design*. In: Hallinan, M.T. *Restructuring Schools: Promising Practices and Policies*, New York: Plenum.
- Coleman, J. (2000). *Foundations of Social Theory*, Cambridge, Massachusetts, Belknap Press of Harvard University Press.
- Conway, M. (2000). *Political participation in the United States*. Washington, D.C: CQ Press.
- Fukuyama, F. (1997). "Social capital and the modern capitalist economy: creating a high trust workplace", *Stern Bus. Mag.* 4 (1).
- Fukuyama, F. (1999). "Social capital and civil society", Paper delivered at IMF Conference on Second Generation Reforms.
- Fukuyama, F. (2001). "Social capital, civil society and development", *Third World Quarterly* 22 (1), 7–20.
- Fukuyama, F. (2002). *Our Posthuman Future: Consequences of the Biotechnology Revolution*, Publisher: Picador USA.
- Fung, A. (2003). "Recipes for Public Spheres: Eight Institutional Design Choices and Their Consequences", *Journal of Political Philosophy*, 11.
- Gerber, A.; Green, S. & Christopher W. (2008). "Social Pressure and Voter Turnout: Evidence from a Large-Scale Field Experiment", *American Political Science Review*, 102.
- Gerber A. Roggers, T. (2009). "Descriptive Social Norms and Motivation to Vote Everybody's Voting and so Should You", *The Journal of Politics*, 71.
- Glynn, C.; Huge, M. & Lunney, C. (2009). "The influence of perceived social normson college students' intention to vote". *Political Communication*, 26.
- Granovetter, M. (1985). "Economic action and social structure: The problem of embeddedness", *American Journal of Sociology*, 91.

- Granovetter, M. (2005). "The strength of weak ties", *The American Journal of Sociology*, 78.
- Henseler, J. Ringle, C and Sinkovics, R. (2009). "The use of partial least squares path modeling in international marketing", *New Challenges to International Marketing*, Vol. 20, pp. 277-320.
- Iyengar, S. & Westwood, S. (2015). "Fear and loathing across party lines: new evidence on group polarization", *Am. J. Polit. Sci.* 59 (3), 690–707.
- Jacoby, W. (2014). "Is there a culture war? Conflicting value structures in American public opinion", *Am. Polit. Sci. Rev.* 108 (04), 754–771.
- Jha, A. (2017). *Financial reports and social capital*. J. Bus. Ethics
- Jha, A.; Boudreaux, C & Banerjee, V. (2018). "Political leanings and social capital", *Journal of Behavioral and Experimental Economics*. NO, 72. 95-105.
- Jha, A. Chen, Y. (2015). "Audit fees and social capital", *Account. Rev.* 90 (2), 611–639.
- Jottier, D. & Heyndels, B. (2012). "Social Capital and Government Disentangling the Process at work", In: Marc Hooghe (ed.), *Social Cohesion contemporary theoretical perspectives on the study of social cohesion and social capital*, Koninklijke Vlaamse Academie van België voor.
- Klesner, J. & Kenyon, Colleg. (2007). "Social capital and political participation in Latin America", *Latin American Research Review*. Vol. 42, No. 2, 1-32.
- Knack, S. (2002). "Social capital and the quality of government: evidence from the states", *Am. J. Polit. Sci.* 46 (4), 772–785.
- Knack, S. & Keefer, P. (1997). "Does Social Capital Have an Economic Payoff? A Cross-Country Investigation", *Quarterly Journal of Economics*, 112.
- Lake, L. & Huckfeldt, R. (1998). "Social capital, social networks and political participation", *Political Psychology*, 19.
- Lipset, S. & Rokkan, S. (1968). "Cleavage Structures, Party Systems and Voter Alignments. Introduction". In: *Party Systems and Voter Alignments: Cross-National Perspectives*, ed. by Seymour M. Lipset and Stein Rokkan. New York: The Free Press.
- Paxton, P. (2002). "Social Capital and Democracy: An Inter-dependent Relationship", *American Sociological Review*, 67.

- Putnam, R. (1998). "Tuning in, tuning out: The strange disappearance of social capital in America", *Political Science and Politics*, 28.
- Putnam, R. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*, New York: Simon and Schuster.
- Putnam, R. (2002). *Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*, New York: Oxford University Press.
- Rupasingha, A. & Goetz, S. (2008). "US County-Level Social Capital Data. In, University", *Journal of Behavioral and Experimental Economics*.
- Seligson, Mitchell A. (2005). "Can Social Capital be Constructed? Decentralization and Social Capital Formation in Latin America", In: *Developing Cultures: Essays on Cultural Change*, edited by Lawrence Harrison and Jerome Kegan, New York, Routledge.
- Skocpol, T.; Morris, P. and Fiorina (1999). *Civic Engagement in American Democracy*. Washington: Brookings.
- Smith, E. (2002). "The Effects of Investments in the Social Capital of Youth on Political and Civic Behavior in Young Adulthood: A Longitudinal Analysis", *Political Psychology*, 20.
- Schussman, A. Soule, A. (2005). Process and Protest: Accounting for Individual Protest Participation. *Social Forces*. 84.
- Taiily, C (2013). Social capital: explaining its origins and effects on government performance. *British J. Polit. Sci.* 28 (04), 686–693.
- Verba, S.; Schlozman, K. & Brady, H. (1995). *Voice and equality: Civic voluntarism in American politics*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Weyland, K. (2004). "Neoliberalism and Democracy in Latin America: A Mixed Record", *Latin American Politics and Society* 46 (1): 135–34.
- Whiteley, p. (2004). Caution. Transitions ahead: politics, practice and sustainable transition management. *Environment Planning*. 39.
- Whiteley P. & Seyd, P. (1996). "Rationality and Party Activism: Encompassing tests of Alternative Models of Political Participation", *European Journal of Political Research*, 29.